



Analysis of the Substantive and Formal Challenges of Extradition

واکاوای چالش‌های ماهوی و شکلی مسئله استرداد مجرمین

Reza Alipanah

PhD Student in International Law, Faculty of Theology and Islamic Sciences, Payame Noor University of Tehran, Tehran, Iran (Corresponding Author)

Ali Paidarfard

Master of Criminal Law and Criminology, Mofid University of Qom, Qom, Iran

رضا علی پناه

دانشجوی دکتری حقوق بین‌الملل، دانشکده الهیات و علوم اسلامی، دانشگاه پیام نور تهران، تهران، ایران (نویسنده مسئول)

afifab. enekas@yahoo.com
<http://orcid.org/0000-0002-1043-4836>

علی پایدارفرد

کارشناس ارشد حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشگاه مفید قم، قم، ایران
alipaidarf. fl375@gmail.com
<http://orcid.org/0000-0002-7848-9315>

Abstract

Extradition of criminals literally means the extradition or return of an accused or delinquent person from the country where the crime took place to the requesting country. This argument is first mentioned in Islam and in the Holy Quran (verse 32 of Surah Maedah). From the second half of the nineteenth century, the issue of extradition of criminals in the form of reciprocal action became widespread, and to this day, despite this condition of reciprocity, this issue has remained common and legal. In the criminal law of countries, although there is a difference in the condition of being competent in some of their spatial jurisdictions, in the case of extradition, reciprocity of action is a common and reasonable condition. Proper handling of the extradition issue From the beginning of sending the extradition request by the requesting government to the end of the case and accepting the extradition and returning the person subject to extradition has conditions and methods that the correct action can achieve better and more desirable results and results. Some of these conditions are related to the nature of the extradition issue and some are related to the manner in which it is done, which in this study, far from being a review, only occasionally mentions their challenges. This article or section needs sources or references that appear in credible, third-party publications.

Received: 2022/04/13 - Review: 2022/06/08 - Accepted: 2022/07/13

Keywords: Extradition of Criminals, Nature, Ritual, Possibility of Extradition, Multiplicity of Applicant State.

چکیده

استرداد مجرمین اصطلاحاً به معنای تحویل دادن یا بازگرداندن شخص متهم یا بزه‌کار از کشوری که جرم در آن رخ داده به کشور متقاضی است. نخستین بار، این بحث در دین اسلام و در قرآن کریم (آیه شریفه سی و دوم سوره مبارکه مائده) اشاره شده است. از نیمه دوم قرن نوزدهم، بحث استرداد مجرمین میان کشورها به شکل عمل متقابل، رواج پیدا کرد و تا به امروز با وجود همین شرط تقابل است که این مسئله، معمول و قانونی باقی مانده است. در قوانین کیفری کشورها هرچند در خصوص برخی از صلاحیت‌های مکانی آن‌ها، تفاوت در شرط، جهت صالح بودن است اما در مورد استرداد، متقابل بودن عمل، شرطی معمول و معقول است. انجام صحیح مسئله استرداد از شروع به ارسال تقاضای استرداد از سوی دولت متقاضی تا پایان قضیه و پذیرش استرداد و مسترد کردن شخص موضوع استرداد شرایط و شیوه‌ای دارد که اقدام درست نسبت به آن می‌تواند بهتر و بیشتر آثار و نتایج مطلوب را حاصل کند. برخی از این شرایط مربوط به ماهیت مسئله استرداد هستند و برخی مرتبط با شیوه و طریق شکلی انجام آن می‌باشند که در این پژوهش، به دور از نگاه مورری، به نحو موردی، تنها به چالش‌های آن‌ها اشاره شده است. روش تحقیق این پژوهش، کتابخانه‌ای بوده و از منابع مرتبط با این موضوع، استفاده شده است.

واژگان کلیدی: استرداد مجرمین، ماهیت، آئین، امکان استرداد، تعدد دولت متقاضی.

دریافت مقاله: ۱۴۰۱/۰۱/۲۴ - بازنگری مقاله: ۱۴۰۱/۰۳/۱۸ - پذیرش مقاله: ۱۴۰۱/۰۴/۲۲

ارجاع:

علی پناه، رضا؛ پایدار فرد، علی؛ (۱۴۰۱)، واکاوی چالش‌های ماهوی و شکلی مسئله استرداد مجرمین، تمدن حقوقی، شماره ۱۱.

Copyrights:

Copyright for this article is retained by the author (s) , with publication rights granted to Legal Civilization. This is an open-access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution License (<http://creativecommons.org/licenses/by/4.0>) , which permits unrestricted use, distribution, and reproduction in any medium, provided the original work is properly cited.



CC BY-NC-SA



مقدمه

استرداد متهم یا بزه‌کار، یکی از راهکارهای معاضدتی و حل مسئله تعارض صلاحیت میان دولت‌ها بوده که با رضایت همان دولت‌ها محقق می‌شود (صادقی و همکاران، ۱۳۹۸، ۲۵۷). استرداد مجرم یا متهم بدان معنا است که یکی از اتباع کشوری داخل کشور دیگر، مرتکب جرم یا جرایمی شده است که وفق یکی از صلاحیت‌های واقعی، شخصی فعال، شخصی منفعل و در برخی از موارد، صلاحیت سرزمینی نوعی و یا شناور و جهانی، صالح به رسیدگی است که لزوماً شرط مجرمیت متقابل یا قاعده احتساب در آن شرط نیست اما متقابل بودن این عمل میان کشورها، معمول است. مثلاً ماده «۵»^۱ قانون مجازات اسلامی مصوب

۱- ماده ۵: هر شخص ایرانی یا غیرایرانی که در خارج از قلمرو حاکمیت ایران مرتکب یکی از جرائم زیر یا جرائم مقرر در قوانین خاص گردد، طبق قوانین جمهوری اسلامی ایران محاکمه و مجازات می‌شود و هرگاه رسیدگی به این جرائم در خارج از ایران به صدور حکم محکومیت و اجرای آن منتهی شود، دادگاه ایران در تعیین مجازات‌های تعزیری، میزان محکومیت اجراء شده را محاسبه می‌کند: الف- اقدام علیه نظام، امنیت داخلی یا خارجی، تمامیت ارضی یا استقلال جمهوری اسلامی ایران. ب- جعل مهر، امضاء، حکم، فرمان یا دست خط مقام رهبری یا استفاده از آن. پ- جعل مهر، امضاء، حکم، فرمان یا دست خط رسمی رئیس جمهور، رئیس قوه قضاییه، رئیس و نمایندگان مجلس شورای اسلامی، رئیس مجلس خبرگان، رئیس دیوانعالی کشور، دادستان کل کشور، اعضای شورای نگهبان، رئیس و اعضای مجمع تشخیص مصلحت نظام، وزرا یا معاونان رئیس جمهور یا استفاده از آن‌ها. ت- جعل آراء مراجع قضایی یا اجرائیه‌های صادره از این مراجع یا سایر مراجع قانونی و یا استفاده از آن‌ها. ث- جعل اسکناس رایج یا اسناد تعهدآور بانکی ایران و همچنین جعل اسناد خزانه و اوراق مشارکت صادرشده یا تضمین شده از طرف دولت یا تهیه یا ترویج سکه قلب در مورد مسکوکات رایج داخل.

۱۳۹۲ (صلاحیت واقعی) به استرداد و قاعده احتساب اشاره کرده اما مواد دیگر به این قاعده اشاره نداشته اما در هر صورت، در عمل متقابل بودن استرداد مجرمین شرط است و یا فرضاً در ماده (۷) قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ (صلاحیت شخصی فعال)، به قاعده احتساب و مجرمیت متقابل اشاره نشده اما در ماده ۵ به قاعده احتساب و در ماده (۸) ^۳ (صلاحیت شخصی منفعل)، مجرمیت متقابل شرط است اما در هر حال، اگر وفق هر یک از آن‌ها ایران صالح به رسیدگی باشد، جهت استرداد مجرم، کشوری که در آن بزه رخ داده، متقابل بودن استرداد را بررسی و پس از مثبت بودن آن، اقدام به استرداد مجرم می‌کند.

در ظاهر، استرداد مجرمین از نیمه دوم قرن نوزدهم میلادی معمول و رواج یافت اما در حقیقت، نخستین بار بحث استرداد در اسلام و در آیه شریفه سی و دوم ^۴ سوره مبارکه مائده بیان شده است. در این خصوص، احمد رشید اشاره کرده است: «... آیا چنین بیانی اعلام غیرقابل تفکیک بودن عدالت و لزوم مجازات مجرمین با وجود مرزهای سیاسی و نظریه‌های استوار بر اصل حاکمیت دولت‌ها و محدود بودن قوانین جزائی به قلمرو یا سرزمین دولتی نیست؟...» (رشید، ۱۳۵۳، ۱۰۶).

استرداد به شکل صحیح، از زمان شروع به ارسال تقاضای استرداد از سوی دولت متقاضی تا پایان قضیه و پذیرش استرداد و مسترد کردن شخص موضوع استرداد می‌باشد که شرایط و شیوه‌ای دارد که

۲- ماده ۷ علاوه بر موارد مذکور در مواد فوق هریک از اتباع ایران در خارج از کشور مرتکب جرمی شود، در صورتی که در ایران یافت و یا به ایران اعاده گردد، طبق قوانین جمهوری اسلامی ایران محاکمه و مجازات می‌شود مشروط بر این که: الف- رفتار ارتكابی به موجب قانون جمهوری اسلامی ایران جرم باشد. ب- در صورتی که جرم ارتكابی از جرائم موجب تعزیر باشد، متهم در محل وقوع جرم محاکمه و تبرئه نشده یا در صورت محکومیت، مجازات کلاً یا بعضاً درباره او اجراء نشده باشد. پ- طبق قوانین ایران موجبی برای منع یا موقوفی تعقیب یا موقوفی اجرای مجازات یا سقوط آن نباشد.

۳- ماده ۸: هرگاه شخص غیرایرانی در خارج از ایران علیه شخصی ایرانی یا علیه کشور ایران مرتکب جرمی به جز جرائم مذکور در مواد قبل شود و در ایران یافت و یا به ایران اعاده گردد، طبق قوانین جزایی جمهوری اسلامی ایران به جرم او رسیدگی می‌شود، مشروط بر این که: الف- متهم در جرائم موجب تعزیر در محل وقوع جرم، محاکمه و تبرئه نشده یا در صورت محکومیت، مجازات کلاً یا بعضاً درباره او اجراء نشده باشد. ب- رفتار ارتكابی در جرائم موجب تعزیر به موجب قانون جمهوری اسلامی ایران و قانون محل وقوع، جرم باشد.

۴- أَجَلُ ذَلِكَ كَتَبْنَا عَلَىٰ بَنِي إِسْرَائِيلَ أَنَّهُ مَنْ قَتَلَ نَفْسًا بِغَيْرِ نَفْسٍ أَوْ فَسَادٍ فِي الْأَرْضِ فَكَأَنَّمَا قَتَلَ النَّاسَ جَمِيعًا وَمَنْ أَحْيَاهَا فَكَأَنَّمَا أَحْيَا النَّاسَ جَمِيعًا وَلَقَدْ جَاءَتْهُمْ رُسُلُنَا بِالْبَيِّنَاتِ ثُمَّ إِنْ كَذَّبُوا مِنْهُمْ بَعْدَ ذَلِكَ فِي الْأَرْضِ لَنُؤَسِّقُنَّ. از این روی بر فرزندان اسرائیل مقرر داشتیم که هر کس کسی را جز به قصاص قتل یا [به کفر] فسادی در زمین بکشد چنان است که گویی همه مردم را کشته باشد و هر کس کسی را زنده بدارد چنان است که گویی تمام مردم را زنده داشته است و قطعاً پیامبران ما دلایل آشکار برای آنان آوردند [با این همه] پس از آن بسیاری از ایشان در زمین زیاده روی می‌کنند.

اقدام درست نسبت به آن می‌تواند بهتر و بیشتر آثار و نتایج مطلوب را حاصل کند. برخی از این شرایط مربوط به ماهیت مسئله استرداد هستند و برخی مرتبط با شیوه و طریق شکلی انجام آن که در این پژوهش به آن‌ها اشاره شده است. تحلیل جامع ماهیت و آئین مسئله استرداد مجرمین، نیازمند یک پژوهش مفصل و در قالب پژوهشی دیگر نظیر کتاب است؛ در نتیجه، در این مقاله، تنها چالش‌های این قضیه از حیث ماهیت و آئین، واکاوی شده است. به عبارت دیگر، در این پژوهش، به نحو موردی، تنها به چالش‌های ماهوی و شکلی این مسئله و به دور از نگاه مروری صرف به آن نظیر روش احصاء یا تصریح قانونی و روش میزان اهمیت جرم در امکان استرداد مجرمین ذیل بحث ماهوی این مسئله و مباحثی مثل تعدد دولت متقاضی، هزینه، اعراض از امتیازات در گفتار آئین این قضیه، پرداخته شده است. شیوه نگارش این پژوهش، کتابخانه‌ای بوده و از منابع مختلف به صورت توصیفی-تحلیلی، استفاده شده است.

۱- ماهیت

استرداد، در لغت، معانی مختلفی دارد که بیشتر با معنای «واپس گرفتن» شناخته می‌شود (عمید، ۱۳۸۹، ۱۱۲). در فرهنگ معین، استرداد از نگاه حقوقی نیز تعریف شده است. در این فرهنگ‌نامه آمده است: «درخواست اعاده متهم یا مجرم از کشوری که مجرم یا متهم پس از ارتکاب جرم به آن‌جا پناهنده شده است» (معین، ۱۳۸۶، ۱۴۰). استرداد که قدیمی‌ترین روش همکاری میان دولت‌ها در امور جزایی است (خالقی، ۱۳۹۵، ۱۵۳)؛ در اصطلاح این گونه تعریف می‌شود: «باز پس گرفتن متهم یا مجرم از کشوری است که پس از ارتکاب از آن‌جا گریخته است» (پوربافرانی، ۱۳۹۸، ۲۱۲). در واقع، مسئله استرداد با عنایت به مسائل سیاسی دولت‌ها و به دلیل پیشگیری از وقوع بزه‌های مختلف، با همکاری‌های لازم قضایی، صورت می‌گیرد (نیک‌انجام، ۱۳۶۶، ۸۵).

باید دانست که چه جرائمی می‌تواند موضوع استرداد قرار گیرند. موضوع استرداد شخص است، اما این امر مطلوب است که روشن گردد آیا شخص مورد نظر مسئله استرداد را تحت هر اتهام و هر جرمی می‌توان مسترد نمود یا خیر؟ آیا استرداد شخص صرفاً باید در خصوص جرائم سنگین وی باشد یا می‌توان یک شخص را برای ارتکاب بزه‌های سبک یا یک تخلف انتظامی هم مسترد کرد؟ در بندهای ذیل به این مسئله می‌پردازیم که ارتکاب چه جرایمی از سوی یک شخص می‌تواند قابلیت و امکان استرداد مشار الیه را فراهم کند و چه جرائمی چنین امکانی را به دولت متقاضی و متقاضی عه نمی‌دهد. لازم به توضیح است که از هدف‌های اصلی حقوق بین‌الملل آن است که امکان فرار متهمان یا مجرمان از کیفر قانونی فراهم نشود

(حسن برقی، ۱۳۹۷، ۳)؛ بنابراین، مسئله استرداد از اهمیت ویژه‌ای در حقوق جزای بین‌الملل، برخوردار است.

۱-۱- جرائمی که مرتکب آن امکان استرداد دارند

از آن جایی که بازگرداندن مجرم فراری به محل دادگاه صالح به رسیدگی به جرائم ارتكابی از سوی او و مجازات وی، هدف مطلوب و نتیجه منطقی و اصولی اقدامات در خصوص استرداد مجرمین است و مبانی حقوق بین‌الملل نیز آن را تأیید و توجیه می‌کند و این امر کمک شایانی به حفظ و مراقبت از امنیت داخلی و خارجی کشورها کرده و می‌تواند در جهت حفظ حقوق اتباع ایشان بسیار کارآمد باشد، اما باید دانست که این مسئله، محدودیت و محظوراتی نیز دارد و تقریباً هیچ اصل و قاعده‌ای در حقوق بین‌الملل نیست که استثناء نداشته باشد و مطلق و عام اجرا گردد. امروزه نسبت به ماهیت برخی از جرائم، امکان استرداد مرتکبین آن‌ها محدود و در مواردی منع شده است. برای مثال جرائم صرف سیاسی یا نظامی از این قبیل‌اند. در گذشته استرداد مجرمین، اتفاقاً برعکس استرداد مجرمین در عصر معاصر، بیشتر در خصوص بزهکاران سیاسی و امنیتی بوده و غالباً دولت‌ها آن زمان خود را کمتر درگیر بازگرداندن مجرمین جرایم دیگر می‌کردند. به همین ترتیب در گذشته پادشاهان و امرای کشورها صرفاً دنبال‌کننده اشخاصی بودند که اعمال ایشان را در تضاد با قدرت و حاکمیت خود می‌دیدند و عنوان «دشمن پادشاه» یا «ضددربار» به این افراد داده بودند (محسنی، ۱۳۸۲، ۴۰۷).

ولی اکنون وضعیت توجه به ماهیت و نوع جرم ارتكابی از سوی اشخاصی که تقاضای استرداد آن‌ها شده یا می‌شود کاملاً تغییر کرده و به عکس زمان گذشته، اصل عدم استرداد مجرمین سیاسی یا نظامی، یک اصل مورد پذیرش از سوی غالب دولت‌ها بوده که هم در قوانین داخلی ایشان و هم معاهدات استرداد که با یکدیگر منعقد می‌نمایند، به این اصل اشاره می‌کند. حال این سوال مطرح می‌شود که چه نوع جرائمی، در صورتی که از سوی شخص موضوع استرداد ارتكاب یابد، استرداد نامبرده را ممکن می‌سازد؟ و ماهیت و ضابطه تشخیص این جرائم چیست؟ دولت‌ها هنگام ارسال تقاضای استرداد یا پذیرش و بررسی آن تقاضا برای تشخیص و روشن کردن این امر روش‌هایی دارند. یکی این است که نوع جرم سابقاً تصریح شده باشد و دیگر اینکه جرم مورد نظر تا چه اندازه مهم است. به دو روش مذکور، در ذیل می‌پردازیم.

۱-۱-۱- روش احصاء یا تصریح قانونی

این روش یک ضابطه قدیمی در تشخیص نوع و ماهیت جرائمی است که امکان استرداد را دارند. در این روش تنها مرتکبین جرائمی قابلیت استرداد دارند که سابقاً نوع جرم ایشان در معاهده استرداد فی مابین دولت‌های متقاضی و متقاضی استرداد ذکر شده باشد. یا در صورتی که فی مابین دولت‌های مذکور معاهده استرداد موجود نباشد، آن جرم در قانون داخلی هر کدام از کشورها به عنوان جرمی که مرتکب آن قابلیت استرداد دارند، ذکر شده باشد.

نکته این روش مورد توجه چندی از کشورها تا پیش از جنگ جهانی دوم بود. گرچه این امر خیلی روشن نوع جرائم را مشخص کرده است، اما نواقصی نیز دارد که رفع آن توسط به دیگر روش‌ها را می‌طلبد. چرا که هر دولتی از هر نوع بزه‌ای، تعریف خاص خود را دارد و ممکن است آنچه در نظر قانونگذار دولت متقاضی مطابق تحقق بزه‌ای، برای مثال کلاهبرداری است، در نظر دولت متقاضی عنه کلاهبرداری نباشد و بلکه خیانت در امانت تلقی گردد و از آن جایی که فرضاً نام جرم کلاهبرداری در معاهده استرداد فی مابین این دو دولت ذکر شده، از نظر دولت متقاضی، شخص مورد نظر قابلیت استرداد داشته باشد و از نظر دولت متقاضی عنه این شخص امکان مسترد شدن نداشته باشد. بنابراین تفسیر متفاوت دولت‌ها در تعیین و احراز نوع جرم ارتكابی مانعی برای تمیز دادن نوع جرائم است که مرتکبین آن‌ها قابلیت استرداد دارند یا ندارند.

۱-۱-۲- روش میزان اهمیت جرم

از آن جایی که استرداد یک شخص در مسئله استرداد مجرمین، از شروع این مسئله و مکاتبات، بررسی و تحقیق این موضوع تا وصول به نتیجه نهایی، هزینه هنگفت و وقت بسیاری از هر دو دولت ضایع می‌کند، لذا عموم دولت‌ها و حقوقدانان معتقدند، استرداد مجرمین صرفاً باید نسبت به مجرمینی انجام گیرد که مرتکب جرائم سنگین و مهم شده‌اند. گرچه بنا بر اصول اولیه و منطقی است که مجرمین همه انواع جرائم مسترد شده به سزای اعمال خویش برسند. اما با افزایش سرسام‌آور جرائم فراملی، سازمان یافته و حرفه‌ای، موضوع استرداد مجرمین خطرناک و حرفه‌ای دارای تعدد و مصادیق بسیاری شده که دولت‌ها توان، بودجه، وقت رسیدگی، بررسی و تقاضای استرداد همه این بزهکاران را ندارند، بنابراین اولویت منطقی و عقلی با مجرمین خطرناک است. اما چطور باید میزان اهمیت جرم را تشخیص داد؟ پاسخ روشن است هر چه اهمیت یک بزه بالاتر باشد، میزان مجازات آن بالاتر است، بنابراین میزان اهمیت جرم با میزان مجازات

رابطه مستقیم دارد. برای مثال در ماده «۳۰۲»^۵ قانون آئین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲، جرائم دارای مجازات حبس بیش از ده سال را در صلاحیت دادگاه کیفری یک قرار داده است.

بنابراین متوجه می‌شویم ضابطه مجازات ده سال حبس، حد نصاب مهم بودن جرائم دارای این مجازات با دیگر جرایم است. در موضوع استرداد مجرمین این ضابطه و حد نصاب غالباً در قوانین مرتبط با این حوزه در هر کشور تعیین شده است. برای مثال دولت فرانسه صرفاً مرتکبین جرایم جنایی یا سایر جرائمی که مجازات آن‌ها بیش از دو سال حبس است، قابل شمول مسئله استرداد دانسته است. این امر در قانون استرداد مجرمین لبنان مصوب ۱۹۴۳، حد نصاب مجازات حبس بیش از یک سال برای شخص متهم به آن بزه و یک ماه حبس برای شخص محکوم تعیین شده است (السامرائی، ۱۹۴۵، ۱۴۲). در ماده «۴»^۶ قانون راجع به استرداد مجرمین مصوب ۱۳۳۹ نیز صرفاً استرداد اشخاصی را ممکن دانسته است که مرتکب جرم از نوع جنائی شده باشند یا سایر جرائمی که حداکثر مجازات آن کمتر از یک سال حبس نباشد. نکته این روش در مقایسه با روش قبلی این است که در گرایش دولت‌ها توفیق بیشتری یافته و در عصر حاضر تمایل بیشتر نسبت به اقدام از طریق این روش مشاهده می‌گردد.

۲-۱- جرائمی که مرتکب آن امکان استرداد ندارند

وضعیت جرائم قابل استرداد و غیرقابل استرداد نسبت به گذشته تفاوت بسیاری کرده است. این مسئله ناشی از تفاوت نگرش به مرتکبین جرایم سیاسی یا نظامی و یا سایر جرائمی است که مرتکبین آن قابل استرداد نیستند. در این امر تأثیر مباحث جامعه‌شناسی، جرم‌شناسی و فعالیت‌های سیاسی را نباید از دید دور داشت. سابقاً دیدگاه عموم و حقوقدانان نسبت به کسانی که با حاکمیت مرکزی مانند امپراطور، پادشاه یا دربار

۵- ماده ۳۰۲: به جرائم زیر در دادگاه کیفری یک رسیدگی می‌شود: الف- جرائم موجب مجازات سلب حیات. ب- جرائم موجب حبس ابد. پ- جرائم موجب مجازات قطع عضو و جنایات عمدی علیه تمامیت جسمانی با میزان ثلث دیه کامل یا بیش از آن. ت- جرائم موجب مجازات تعزیری درجه چهار و بالاتر. ث- جرائم سیاسی و مطبوعاتی.

۶- ماده ۴: درخواست رد و یا قبول استرداد با رعایت مقررات مذکور در مادتين دوم و سوم این قانون فقط در مورد جرائم زیر ممکن است: ۱- در مورد هر عملی که طبق قوانین دولت تقاضاکننده مستلزم مجازات جنائی باشد. ۲- در مورد هر عملی که طبق قوانین دولت تقاضاکننده مستلزم مجازات جنحه باشد مشروط بر این که حداکثر مجازات مقرر در قانون کمتر از یک سال حبس نباشد. در مورد کسانی که محکومیت یافته‌اند استرداد در صورتی ممکن است که مدت محکومیت بیشتر از دو ماه حبس باشد. در تمام موارد مذکور در این ماده استرداد وقتی مورد قبول دولت ایران واقع می‌شود که عمل ارتكابی طبق قوانین ایران نیز مستلزم مجازات‌های جنائی و یا جنحه‌ای باشد.

مخالفت داشتند، یک نگرش منفی و دشمن مردم پندار بود که ایشان را فاقد هرگونه حقوق و مستحق شدیدترین عقاب می‌دانستند. برای همین صرفاً برای استرداد مرتکبین این نوع از جرائم هزینه و وقت صرف می‌کردند و تمایلی به پیگیری و دنبال روی برای جرم مجرمین دیگر نداشته‌اند.

اما با گذشت قرن‌ها و پدیدار شدن اشخاصی که با داشتن انگیزه‌های شرافتمندانه با حکومت مرکزی اختلاف نظر داشتند و انتقاداتی را به دربار یا پادشاه در جهت دفاع از حقوق مردم و یا سایر مسائل مطلوب جامعه اظهار می‌داشتند و غالباً بعدها به عنوان رهبر نهضت‌ها و انقلاب‌ها شناخته می‌شدند، دید جامع و همین‌طور حقوق‌دانان نسبت به این اشخاص کاملاً تغییر کرده و نه تنها ایشان را مانند سابق، مستحق شدیدترین مجازات‌ها نمی‌دانند؛ بلکه برای این اشخاص حقوق و ارفاقات خاص را نیز در نظر می‌گیرند. در همین راستا امروزه غالب کشورهای در معاهدات منعقد فی مابین شان با دیگر کشورها و همین‌طور قوانین داخلی مرتبط با حوزه استرداد مجرمین به این موضوع، یعنی عدم امکان استرداد اشخاصی که متهم به ارتکاب جرائم سیاسی یا نظامی می‌شوند، اشاره نموده‌اند و این ممنوعیت را طی ماده یا شرحی در موارد مذکور، مورد تأکید قرار دادند. این موارد ممنوعیت، شامل مسائلی از قبیل: عدم امکان استرداد مجرمین که سابقاً در خصوص همان جرائم، رسیدگی انجام و حکم صادر شده و محکومیت خود را متحمل شده‌اند یا برائت کسب کرده‌اند (اعتبار امر مختوم) یا در خصوص عدم استرداد اشخاصی که به جرائمی متهم یا محکوم شده‌اند که مرور زمان نسبت به ایشان منقضی شده و دیگر امکان تعقیب و پیگرد ایشان میسر نیست. حتی برخی از کشورها پا را از این اصول و شرایط فراتر گذاشته‌اند و موارد دیگری را نیز به مصادیق جرائمی که متهم یا محکوم به آن‌ها قابل استرداد نیستند، اضافه کرده‌اند. در این راستا می‌توان به معاهده استرداد فی مابین کشور کانادا و دولت هند اشاره کرد که در ماده یک آن استرداد اشخاصی که مبنای تقاضای استرداد آن‌ها بر اساس مجازات در راستای نژاد، مذهب، رنگ پوست و معصیت خاص آن‌ها باشد، ممنوع بوده و طرفین معاهده چنین اشخاص را به طرف دیگر مسترد نمی‌نمایند.

در ماده «۸»^۷ قانون راجع به استرداد مجرمین مصوب ۱۳۳۹ نیز چندی از موارد ممنوعیت استرداد بیان

۷- ماده ۸: در موارد زیر استرداد مورد قبول واقع نخواهد شد: ۱- هر گاه شخص مورد تقاضای ایرانی باشد. ۲- هر گاه جرم ارتكابی از جرائم سیاسی باشد و یا اوضاع و احوال قضیه معلوم شود که استرداد به منظورهای سیاسی به عمل آمده باشد. در مورد اختلافات و جنگ‌های داخلی استرداد مورد قبول نخواهد شد مگر آن که در این صورت استرداد پس از خاتمه جنگ‌های داخلی قابل قبول خواهد بود. سوء قصد به حیات افراد در هیچ مورد جرم سیاسی محسوب نخواهد بود. ۳- هر گاه جرم ارتكابی در داخل قلمرو دولت ایران ارتكاب یافته و یا اگر در خارج از آن واقع شده

شده است. مواردی از قبیل اینکه اگر شخص موضوع تقاضای استرداد، ایرانی باشد یا اینکه جرم انجام شده از سوی مرتکب سیاسی بوده یا تقاضای استرداد صرفاً بر مبنای منظور سیاسی باشد، مواردی که اشخاص موضوع تقاضای استرداد، از افراد طرف مقابل در یک جنگ داخلی باشند نیز تقاضای استرداد از سوی مقام ایرانی پذیرفته نخواهد شد، مگر اینکه اعمال ارتكابی این اشخاص وحشیانه یا در تضاد شدید با حقوق بشردوستانه و قوانین جنگ باشد.

با همه این‌ها در دهه اخیر دایره جرائم غیرقابل استرداد محدودتر شده و گرایش حقوقدانان و دولت‌ها به سمت کاهش مصادیق چنین جرائمی است. علت این امر آن است که سوءاستفاده از این ممنوعیت از سوی دولت‌ها طرف تقاضا و یا اشخاص موضوع استرداد فزونی یافته و هر تقاضای استرداد به بهانه اینکه منظور و قصد دولت تقاضاکننده، سیاسی است، رد می‌شود. این امر موجب ظفره رفتن اشخاص موضوع استرداد و خلاصی آن‌ها از تحمل جزای جرائم خود است. برای مثال دو کشوری که با یکدیگر روابط چندانی ندارند یا دارای روابط خصمانه هستند، تقاضای استرداد مجرمین ارائه شده از سوی دولت طرف مقابل را مجالی برای تلافی‌جویی اختلافات سیاسی خود قرار داده و با تفاسیری غیرمنطقی و غیرحقوقی مورد استرداد را از مصادیق جرائمی که استرداد آن‌ها ممکن نیست تلقی کرده و تقاضای استرداد را نمی‌پذیرند. به همین دلیل امروزه تمایل و گرایش دولت‌ها و حقوقدانان به سمت اجرا و تمکین در برابر تقاضاهای استرداد مجرمین و تأمل و بررسی بیشتر پیش از رد آن‌ها حرکت می‌کند.

۲- آئین

آنچه در نوشتار قبل گذشت بیشتر ناظر به چیستی و ماهیت مسئله استرداد بود. اکنون به این بحث می‌پردازیم که اقداماتی که باید در راستای مسئله استرداد انجام شود از نظر شکلی چه وضعیتی دارد؟ به عبارت دیگر حال باید به چگونگی و آئین این مسئله پرداخت و نکات و جزئیات آن را بررسی نمود. اینکه شروع و نحوه تقاضای استرداد و هزینه استرداد چگونه باید باشد؟ آیا امکان آن هست که شخص موضوع استرداد به صورت ارادی، از موارد ممنوعیت استرداد بیان شده در مباحث ماهیت، عدول و اعراض کرده و استرداد خویش را بپذیرد؟ در فرضی که چند کشور متقاضی استرداد شخص شوند،

مرتکب در ایران مورد تعقیب واقع و یا محکوم‌گردیده باشد. ۴- هر گاه جرم ارتكابی از جرائم نظامی باشد. ۵- هر گاه طبق قانون دولت ایران یا قانون دولت تقاضاکننده تعقیب یا مجازات مشمول مرور زمان شده و یا به جهتی از جهات قانونی شخص مورد تقاضا طبق قانون دولت تقاضاکننده قابل تعقیب یا مجازات نباشد.

دولت متقاضی عنه باید کدام تقاضا را بپذیرد و کدام را رد کند؟

۲-۱- تقاضانامه

فرمت و نحوه نگارش تقاضای استرداد در قانون داخلی یک دولت یا معاهدات استرداد منعقدہ با دیگر کشورها تعیین می‌گردد. تدوین چنین تقاضانامه‌ای در صورتی که معاهده‌ای فی‌مابین دو دولت متقاضی و متقاضی عنه وجود داشته باشد، باید طبق معاهده موصوف و اگر وجود نداشته باشد، باید تا جایی که در تضاد با موارد تعیین شده در قانون داخلی کشور متقاضی عنه استرداد نباشد، نگارش شود. در غالب این معاهدات یا قوانین دولت‌ها، مواردی که ضرورتاً باید در فرم تقاضانامه قید گردد، اشاره شده است. مواردی از قبیل این که از مشخصات هویتی دقیق فرد مورد تقاضای استرداد به شرح نام، نام خانوادگی، نام پدر، شماره پاسپورت، تابعیت، سن، شخص شغل، محل اقامت و غیره؛ ادله وقوع بزه و توجه آن به شخص موردنظر؛ نوع جرم ارتکاب یافته، تاریخ و محل وقوع جرم و کیفیات ارتکاب آن؛ ادله‌ای که دولت متقاضی خود را صالح به رسیدگی دانسته است؛ حکم محکومیت یا قرار جلب شخص مورد تقاضای استرداد.

فرم و مدارک پیوستی بیان شده باید در دو نسخه، یکی به زبان رسمی دولت متقاضی و دیگری به زبان رسمی دولت متقاضی عنه تنظیم و ارسال گردد. سوالی که این‌جا پیش می‌آید این است که فرم و مدارک پیوستی تقاضای استرداد باید به دولت متقاضی عنه (وزارت امور خارجه) تقدیم شود یا به قوه عدلیه یا قضائیه آن کشور؟ آیا دولت متقاضی می‌تواند راساً و بدون اطلاع به قوه مجریه کشور متقاضی عنه، استرداد شخصی را از دادگستری کشور متقاضی عنه بخواهد و فرم و ادله پیوستی را طی دعوائی به دادگستری ارائه نماید؟ پاسخ به این سوال شکلی، در گرو شناخت ماهیت و مبنای مسئله استرداد است که سابقاً بیان شده است. باید یادآور شد که مسئله استرداد، دارای دو وجه و جنبه است. یکی سیاسی و دیگری حقوقی. گرچه انجام و اتخاذ اقدامات در راستای اعمال این مسئله و ارسال تقاضا و پذیرش یا عدم پذیرش آن از سوی دولت به معنای خاص آن (قوه مجریه و وزارت امور خارجه) در هر کشور انجام می‌شود، اما مسئله استرداد دارای قواعد و مقررات حقوقی است که صرفاً حقوقدان یا قاضی، توانایی تحلیل و بررسی این مسئله را دارد و این از صلاحیت سیاسی وزارت امور خارجه در یک کشور خارج است. بدین ترتیب باید مسئله را بدین صورت حل کرد که همان‌گونه که ماهیت استرداد دو وجهی است و یک جنبه سیاسی و یک جنبه حقوقی دارد، طبیعتاً اجرا، شکل و شیوه اقدامات آن نیز باید ترکیبی از این دو وجه باشد (حسینی نژاد، ۱۳۸۳، ج ۳، ۱۰۶).

بدین صورت که همان گونه که در رویه دولت‌ها انجام می‌شود، تقاضانامه به همراه مدارک پیوستی آن از طریق ارتباطات دیپلماتیک از سوی دولت متقاضی به کشور متقاضی عنه ارسال می‌گردد. بدین معنی که دولت متقاضی، تقاضانامه موصوف را از طریق وزارت امور خارجه خودش به وزارت امور خارجه دولت متقاضی عنه تقدیم نموده و وزارت امور خارجه پس از بررسی و تأمل در این باره، در صورتی که مخالفتی نداشته باشد و مدارک را از نظر شکلی و منطبق بر توافقات قبلی (معاهده استرداد) ببیند، آن را به دادگستری کشور خویش (قوه قضائیه) تسلیم می‌نماید.

دادگستری دولت متقاضی عنه این جا وارد ماهیت قضیه استرداد شده و مواردی که سابقاً ذکر شد را بررسی می‌نماید. برای مثال دادگستری موصوف ابتدا در صورتی که معاهده استردادی موجود باشد به آن معاهده و اگر موجود نباشد به قانون داخلی استرداد و اگر قانون هم موجود نباشد، به دیگر منابع و مبانی مسئله استرداد رجوع و اشاره کرده و بررسی می‌نماید آیا تقاضانامه از نظر شکلی و هم از منظر ماهیتی و حقوقی صحیحاً تنظیم شده و امکان استرداد شخص مورد تقاضا می‌باشد یا خیر؟ در این راستا اگر دادگاه بررسی‌کننده به موارد ممنوعیت استرداد برخورد کند، برای مثال اگر تشخیص دهد که شخص مورد تقاضا، دارای تابعیت کشور متبوع خودش است یا جرم انتسابی به او از موارد تخلفات کم اهمیت یا یک جرم سیاسی صرف است یا اصلاً عمل ارتكابی نامبرده، جرم نیست یا اگر جرم هست، متسبب به او نیست و سایر بررسی‌ها و تحقیقات، حکم به رد دعوی خواهان به دلیل عدم امکان استرداد شخص مورد تقاضا می‌دهد.

در برخی از دولت‌ها، این حکم قابل اعتراض در دادگاه عالی‌تر دانسته شده است. در هر حال اگر حکم بر رد تقاضای استرداد قطعی و لازم‌الاجرا گردد، رأی مذکور به وزارت امور خارجه دولت متبوع دادگاه ارسال می‌گردد و وزارت امور خارجه مفاد رد تقاضا را همراه ادله مورد استناد برای عدم پذیرش استرداد، به وزارت امور خارجه دولت متقاضی ارسال می‌نماید. پس از این، موضوع اعتبار امر مختومه یافته و شخص موضوع تقاضای استرداد، بنا بر همان جرم ادعایی قبلی و با همان دلایل قابلیت تقاضای استرداد مجدد ندارد. عکس این قضیه در موردی که دادگاه رسیدگی‌کننده، استرداد را ممکن بداند و حکم بر استرداد شخص موضوع تقاضا دهد نیز صادق است. حکم صادره از سوی شخص موضوع استرداد قابل اعتراض در دادگاه عالی‌تر است. پس از قطعیت رأی موصوف، استرداد لازم‌الاجرا می‌شود. در این مورد حتی دولت (وزارت امور خارجه) متبوع دادگاه نیز نمی‌تواند با استرداد شخص موضوع تقاضا، مخالفت ورزد.

بنابراین به شرحی که گذشت شکل و شیوه اجرای استرداد منشاء داخلی داشته و با دخالت قوه مجریه (وزارت امور خارجه) هر کشور انجام می‌شود. اما از آن جایی که مسئله استرداد یک موضوع تخصصی حقوقی و قضایی نیز هست، در راستای حفظ حقوق شخص مورد تقاضا و دولت متقاضی باید از راه و شوارع دادگستری نیز بگذرد تا مسائل و روابط سیاسی دولت‌ها نتواند حقوق و آزادی‌های شخص موضوع تقاضا، قواعد و مقررات در حوزه مسئله استرداد را نقض کند. موضوع رعایت شروط و اصول استرداد که ماهیت حقوقی و قضایی دارند، در غالب معاهدات منعقد در این حوزه و قوانین داخلی دولت‌ها مورد تأکید قرار گرفته است (محسنی، ۱۳۸۲، ۴۱۶).

۲-۲- تعدد دولت متقاضی

آنچه که سابقاً ذکر شد در خصوص استرداد یک شخص به دولت متقاضی بود در فرضی که صرفاً یک دولت، متقاضی استرداد شده باشد. حال این سوال مطرح است که اگر چند دولت متقاضی استرداد یک شخص شده باشند، تکلیف چیست؟ و دولت متقاضی عنه در صورت امکان استرداد و مطلوب بودن شرایط، شخص مورد تقاضا را باید به کدام کشور تسلیم نماید؟ به نظر می‌رسد ابتدا باید بررسی شود آیا تعدد تقاضا به دلیل تعدد جرائم شخص موضوع تقاضا است یا خیر؟

آنچه در رویه دولت‌ها و در غالب معاهدات منعقد از حوزه استرداد و قوانین داخلی ایشان اشاره شد، این مضمون است که در فرضی که تقاضای متعدد دولت‌ها از دولت متقاضی عنه نسبت به استرداد یک شخص، به دلیل اتهام یا محکومیت مشارالیه برای جرم واحد باشد، دولت متقاضی عنه باید شرایطی را بررسی نماید و سپس اتخاذ تصمیم کند. گرچه تابعیت شخص موضوع استرداد، نوع جرم ارتکاب یافته و تاریخ هر یک از تقاضاها مؤثر در تصمیم‌گیری دولت متقاضی عنه است، اما در این فرض که جرم واحد موضوع استرداد آن شخص شده است، بنابراین محل وقوع بزه نیز واحد است. لذا صحیح‌تر و منطقی‌تر این می‌نماید که شخص موصوف به دولتی مسترد شود که محل وقوع بزه داخل در قلمرو آن کشور باشد. چرا که بیشترین زیان وارده نسبت به کشور اخیرالذکر بوده و نظم عمومی این کشور است که به هم خورده و قوانین این کشور نقض شده است. پس بدیهی می‌نماید که کشور اخیرالذکر در محاکمه و مجازات شخص موضوع تقاضاهای متعدد، نسبت به دیگر کشورهای متقاضی محق‌تر باشد.

سوالی که مطرح می‌شود این است که در صورتی که جرم ارتکاب یافته، یک جرم مستمر باشد چگونه؟ یعنی مکان و محل تحقق فعل مادی جرم ارتکاب یافته در چند خاک کشور صورت گرفته باشد؟

شبهه به این مسئله در قوانین آئین دادرسی کیفری هر کشور از جمله قانون آئین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ کشورمان نیز وجود دارد. پاسخ این قانون که راهگشای مسئله ما در موضوع استرداد نیز هست، این می‌باشد که در مواردی که یک جرم مستمر انجام می‌شود، دادگاه محل وقوع آخرین سلسله از رکن مادی آن بزه صالح به رسیدگی است. برای مثال هنگامی که شخصی مرتکب بزه آدم‌ربایی شده و شخص ربایش شده را از تهران به قم، سپس به کاشان و از آن جا به اصفهان و در انتها به شیراز می‌رباید و در شیراز فرد ربوده شده از دست وی فرار می‌کند، گرچه فعل مادی مجرم در همه این شهرها تحقق یافته و در وهله اول به نظر می‌رسد همه دادگاه‌های این شهرها صالح به رسیدگی هستند اما در فرض فقدان سایر شرایط (عدم سبق ارجاع و عدم دستگیری متهم)، دادگاه محل وقوع آخرین جزء فعل مادی صالح به رسیدگی است. شبهه به همین امر در ارتکاب بزه مرکب نیز جاری است. یعنی در این بزه دادگاه محل وقوع آخرین جزء از فعل مادی بزه که آن جرم را تکمیل و تحقق یافته می‌انگارد، صالح به رسیدگی است (خالقی، ۱۳۹۵، ج ۲، ۲۲). بنابراین با وحدت ملاک بیان شده باید دانست که هنگامی که شخص به اتهام یک جرم مستمر یا مرکب، موضوع تقاضای چند کشور جهت استرداد قرار گیرد، با تأمین بودن سایر شرایط و فقدان ممنوعیت‌های سابق الذکر، دولت متقاضی عنه باید شخص موضوع استرداد را در جرم مستمر به کشوری که آخرین جزء زمانی از فعل مجرمانه در قلمرو آن کشور تحقق یافته، یا در جرم مرکب آخرین سبب تکمیل بزه یا آخرین جزء مادی آن بزه در قلمرو آن کشور تحقق یافته، مسترد نماید. فرض‌های مطرح شده در صورتی بود که شخص موضوع استرداد، به دلیل ارتکاب یک جرم واحد، مورد تقاضای چند کشور قرار گرفته باشد. حال در فرضی که شخص مورد نظر، مرتکب جرائم متعددی در قلمرو کشورهای مختلفی گردد، وضع استرداد او چگونه خواهد بود؟ برای مثال اگر یک شخص ایرانی به اتهام پولشویی موضوع تقاضای استرداد آمریکا، به اتهام تأمین مالی تروریسم موضوع تقاضای کانادا و به اتهام اختلاس موضوع تقاضای استرداد ایران قرار گیرد و هم‌اکنون در ترکیه مقیم باشد و این سه کشور تقاضانامه استرداد خطاب به دولت ترکیه تنظیم و ارسال نموده باشند، دولت ترکیه باید شخص موصوف را به کدام کشور تسلیم و مسترد نماید؟ گرچه در عمل آنچه اتفاق می‌افتد، گرایش بیشتر دولت‌های متقاضی عنه به پذیرش تقاضای دولتی است که با وی رابطه حسنه‌ای دارد و این تأثیر جنبه سیاسی موضوع استرداد، قابل انکار نیست، اما باید توجه داشت که قواعد حقوقی پاسخ دیگری به این مسئله دارند. برای مثال دولت ایران،

در ماده «۱۰»^۸ قانون راجع به استرداد مجرمین مصوب ۱۳۳۹ به این موضوع اشاره نموده است که هنگامی که دولت ایران مخاطب تقاضای استرداد از سوی چند کشور در خصوص اتهامات متعدد یک شخص باشد، تقاضای مقدم بر دیگر تقاضاهای استرداد مرجع خواهد بود و اجرا خواهد شد. یعنی پاسخ قانون ایران، تقدم زمانی تقاضانامه استرداد است (علاءالدینی، ۱۳۸۴، ج ۱، ۱۱).

پاسخ دیگر به این مسئله را می‌توان در قانون استرداد مجرمین فرانسه مصوب ۱۹۲۷ یافت. این قانون صرف نظر از تابعیت شخص موضوع تقاضای استرداد، دولتی را که از ارتکاب بزه بیشترین زیان را دیده و منافع او بیش از سایرین تضییع شده و نقض نظم عمومی و قوانین آن کشور نسبت به دیگر کشورها شدیدتر بوده، نسبت به پذیرش تقاضای استرداد وی شایسته‌تر و محقق دانسته است (علی‌آبادی، ۱۳۷۳، ۱۵۷).

با همه این‌ها پاسخی که بتواند جمیع جهات را در نظر گیرد و نزدیک‌ترین واکنش طبیعی و حقوقی به بزه ارتکاب یافته توسط شخص موضوع استرداد باشد، صلاحیت رسیدگی دادگاهی است که مهم‌ترین جرم از جرائم متعدد شخص موضوع استرداد در قلمرو دولت آن تحقق یافته باشد. مقصود از جرم مهم‌تر بزه‌ای است که مجازات شدیدتری داشته باشد. در مثال قبلی گرچه جرائم پولشویی و اختلاس، از جرائم مهم و با مجازات سنگین هستند (در فرض اثبات)؛ اما جرم تأمین مالی تروریسم و معاونت در ارتکاب اعمال تروریستی، یک جرم بین‌المللی بوده و مورد اشاره بسیاری از کنوانسیون‌های بین‌المللی و عموم قوانین کیفری داخلی کشورها است و قریب به اتفاق دولت‌ها چنین جرائم تروریستی را در مدارج بالایی از مجازات‌های خود قرار داده‌اند و اهمیت این نوع جرائم، بسیار بیشتر از بزه‌هایی مانند اختلاس، پولشویی و غیره است. بنابراین در مثال قبلی شایسته است که دولت ترکیه با وجود سایر شرایط (مانند عدم شمول مرور زمان، اعتبار امر مختومه و غیره) شخص مورد تقاضا را به دولت کانادا تسلیم نماید. اگر پاسخ دولت ترکیه در ضمن پذیرش تقاضای استرداد کانادا، صرفاً رسیدگی از سوی این دولت باشد، دولت کانادا صرفاً می‌تواند مشارالیه را محاکمه و مجازات نماید و سپس به دولت ترکیه اعاده کند. اما اگر دولت ترکیه ضمن اعلام پذیرش تقاضای استرداد و دولت کانادا، این اذن را به این دولت بدهد که پس از محاکمه می‌تواند شخص موصوف را به دیگر کشورها مسترد نماید، چنین حقی برای کانادا جاری است و علی‌الاصول کشور اخیرالذکر می‌تواند پس از محاکمه آن شخص را به ترتیب مهم بودن جرم ارتکابی در

۸- ماده ۱۰: هر گاه تقاضای رد از طرف چند دولت و به سبب ارتکاب جرائم متعددی شده باشد شخص مورد تقاضا به دولتی که حق تقدم خواهد داشت تسلیم می‌شود.

هر کشور به دیگر دولت‌های متقاضی مسترد نماید. این امر در پذیرش تقاضای استرداد شخصی که از سوی چند دولت تقاضای استرداد او شده است، معمول و شایع است.

هنگام بررسی تقاضانامه‌های متعدد استرداد، علاوه بر عنصر «مهم بودن جرم» که بیان شد، نباید دیگر عوامل و عناصر را از نظر دور داشت. عناصری مانند: تابعیت شخص مورد تقاضا، تاریخ وقوع جرم، شدت و کیفیات وقوع جرم، تاریخ هر کدام از تقاضانامه‌ها، انگیزه سیاسی دولت متقاضی و غیره از ارکان تأثیرگذار در رد یا پذیرش استرداد است. با همه آنچه گذشت، آن رکن و عنصری که حرف آخر را می‌زند و دولت منتخب پذیرش تقاضای استرداد را مشخص می‌کند، اراده، خواست و تفسیر دولت متقاضی عنه است. دولت متقاضی عنه بنا بر اصل حاکمیت دولت‌ها، می‌تواند بر خلاف همه عواملی که بیان شد، شخص موضوع تقاضای استرداد را به هر دولتی که بخواهد، مسترد می‌نماید.

۲-۳- هزینه

به عکس هزینه دادرسی در ایران، این هزینه در سایر کشورها میزان قابل توجهی است و به تبع استرداد و همه اقدامات لازم در این خصوص می‌تواند هزینه هنگفتی را در بر داشته باشد. اصول کلی حقوقی مرتبط با قوانین آئین دادرسی مدنی در غالب کشورها مبتنی بر این است که هزینه دادرسی بر عهده خواهان است و اگر در انتهای دادرسی، حکم به نفع او صادر شود، نامبرده می‌تواند آن هزینه‌ها را از محکوم علیه (خواننده) مطالبه نماید. اما در مسئله استرداد باید این موضوع را در نظر داشت که عکس یک دعوی حقوق داخلی، مسئله استرداد یک مجرم، هم به نفع دولت متقاضی (شبه خواهان) و هم در راستای منافع دولت متقاضی عنه (شبه خواننده) است. به صورتی که دولت متقاضی با محاکمه و مجازات شخص موضوع تقاضا، نقض قوانین و مقررات خویش و آسیب وارده بر حقوق عمومی کشورش را جبران و بازسازی می‌نماید و همین طور در راستای بازدارندگی و پیشگیری از ارتکاب جرائم آتی در کشورش گام بر می‌دارد. در مقابل دولت متقاضی عنه نیز از شریک جرم خلاصی یافته و امکان هرگونه ارتکاب بزه یا نقض قوانین خودش را با مسترد کردن آن شخص، منتفی می‌نماید.

حال در این جا که هر دو دولت متقاضی و متقاضی عنه استرداد، ذینفع محسوب می‌شوند، پرداخت هزینه استرداد با کیست؟ این موضوع گرچه در وضع قوانین داخلی مرتبط با حوزه استرداد از سوی هر دولت و در مفاد معاهدات منعقدہ میان دولت‌ها غالباً مورد توجه بوده و تکلیف اش روشن و مشخص می‌گردد (عباسی، ۱۳۶۷، ۲۳۸) خیلی آثار و فایده حقوقی ندارد. اکثریت قوانین داخلی و معاهدات حوزه

استرداد مجرمین، هزینه‌های استرداد را بر عهده دولت متقاضی قرار داده است. ماده «۲۶»^۹ قانون راجع به استرداد مجرمین مصوب ۱۳۳۹ نیز همین نظر را در پیش گرفته است. با این حال بعضاً در معاهداتی مشاهده شده است که هزینه‌های استرداد به دو بخش تقسیم شده است و هزینه‌های صرف شده در داخل دولت متقاضی عنه، به عهده دولت اخیرالذکر و سایر هزینه‌ها (غالباً از مرز به بعد) بر عهده دولت متقاضی است؛ مورد اخیر، در ماده «۱۵»^{۱۰} قانون موافقتنامه استرداد مجرمین بین دولت جمهوری اسلامی ایران و دولت جمهوری آذربایجان مصوب ۱۳۷۸ اشاره شده است.

۲-۴- اعراض از امتیازات

سوالی که مطرح می‌شود این است که آیا ممکن است شخص موضوع تقاضای استرداد شخصا موافقت خود با استرداد را اعلام نماید و از امتیازاتی که قواعد و مقررات استرداد در زمینه موارد ممنوعیت استرداد وضع کرده‌اند، اعراض و عدول کند؟ آیا در چنین شرایطی دولت متقاضی عنه نیز مکلف به استرداد است یا می‌تواند بنا بر نظر خویش تقاضا را قبول یا رد کند؟

منظور از این که شخص موصوف از ممنوعیت‌ها اعراض نماید، این است که برای مثال استرداد یک شخص بابت اتهامی که سابقاً نامبرده به همان اتهام تحت محاکمه و رسیدگی قرار گرفته و براءت حاصل نموده یا محاکمه شده و محکومت خود را طی کرده است، ممنوع است. اما در فرضی، شخص مذکور جهت اثبات حسن نیت خویش در نزد مقامات دولت متقاضی و به صورت اختیاری، از این ممنوعیت استرداد به دلیل اعتبار امر مختومه، اعراض نموده و موافقت و رضایت خویش را بابت استرداد ابراز می‌دارد. یا در خصوص سایر ممنوعیت‌ها، مانند عدم امکان استرداد اشخاص به دلیل جرائم سیاسی یا نظامی و غیره نیز چنین موافقت و رضایتی از سوی شخص مورد تقاضا مطرح گردد. با چنین رضایتی، استرداد آن شخص می‌تواند بدون تشریفات و پرهیز از اطاله دادرسی و صرف هزینه و زمان صورت گیرد، امری که هم برای دولت متقاضی هم برای دولت متقاضی عنه دارای آثار و نتایج مطلوبی است. اما باید به این نکته اشاره نمود که همان‌طور که بیان شد یکی از وجوه مسئله استرداد، جنبه سیاسی آن نیز هست.

بنابراین، صرف رضایت و اعلام انصراف شخص موضوع استرداد، از امتیازات و موارد ممنوعیت

۹- ماده ۲۶: هزینه استرداد و عبور به طور ترانزیت با دولت تقاضاکننده است.

۱۰- ماده ۱۵: مخارج. هزینه‌های مربوط به استرداد در خاک طرف تقاضاشونده به عهده آن کشور و مخارج و هزینه‌های حمل ترانزیتی به عهده تقاضاکننده خواهد بود.

استرداد، برای استرداد وی کفایت نمی‌کند و باید دولت متقاضی عنه نیز با استرداد موافق باشد. چرا که این عمل مصداق اعمال حاکمیتی این دولت بوده و شخص مورد تقاضای استرداد، نمی‌تواند شخصا از سوی دولت متقاضی عنه، اعمال حاکمیت و قدرت نماید. چنین موضوعی در ماده ۱۵ قانون استرداد مجرمین فرانسه مصوب ۱۹۲۷ نیز مورد تأکید قرار گرفته‌است و فقط شخص موضوع تقاضای استرداد باید در دادگاه حاضر شده و در نزد مقامات قضایی، رضایت بی‌قید و شرط و بدون عیب و خلل خود را اعلام دارد. (فاطمی شریعت‌پناهی، ۱۳۵۴، ۱۵۴). امروزه، در مورد استرداد مجرمین سیاسی بایست اشاره داشت که این مسئله تنها یک امر منحصرآ سیاسی یا اداری نیست بلکه باید با مداخله قوه قضائیه صورت گیرد تا آزادی‌های فردی و اجتماعی و حقوق متهم، بیشتر رعایت شود (عباسی، ۱۳۷۳، ۲۱۰).

نتیجه

با مطالعه این پژوهش، نتایج زیر حاصل می‌گردد:

اول- از جهت ماهوی، در مواردی که امکان استرداد مجرم وجود دارد به دو شیوه احصاء یا تصریح قانونی و میزان اهمیت جرم عمل می‌شود.

دوم- از جمله موارد ممنوعیتی که در بخش عدم امکان استرداد مجرم مطرح می‌شود، می‌توان به عدم امکان استرداد مجرمین که سابقا در خصوص همان جرائم، رسیدگی انجام و حکم صادر شده و محکومیت خود را متحمل شده‌اند یا برائت کسب کرده‌اند (اعتبار امر مختوم) یا در خصوص عدم استرداد اشخاصی که به جرائمی متهم یا محکوم شده‌اند که مرور زمان نسبت به ایشان منقضی شده و دیگر امکان تعقیب و پیگرد ایشان میسر نیست؛ اشاره کرد.

سوم- از جهت بررسی آئین این قضیه، در بحث مربوط به تعدد دولت متقاضی، صحیح‌تر و منطقی‌تر این می‌نماید که شخص موصوف به دولتی مسترد شود که محل وقوع بزه داخل در قلمرو آن کشور باشد. چرا که بیشترین زیان وارده نسبت به کشور اخیرالذکر بوده و نظم عمومی این کشور است که به هم خورده و قوانین این کشور نقض شده است.

چهارم- در مسئله استرداد باید این موضوع را در نظر داشت که عکس یک دعوی حقوق داخلی، مسئله استرداد یک مجرم، هم به نفع دولت متقاضی (شبه خواهان) و هم در راستای منافع دولت متقاضی عنه (شبه خواننده) است.

پنجم- صرف رضایت و اعلام انصراف شخص موضوع استرداد، از امتیازات و موارد ممنوعیت

استرداد، برای استرداد وی کفایت نمی‌کند و باید دولت متقاضی عنه نیز با استرداد موافق باشد. چرا که این عمل مصداق اعمال حاکمیتی این دولت بوده و شخص مورد تقاضای استرداد، نمی‌تواند شخصا از سوی دولت متقاضی عنه، اعمال حاکمیت و قدرت نماید.

شش - منظور از این که شخص موصوف از ممنوعیت‌ها اعراض نماید، این است که برای مثال استرداد یک شخص بابت اتهامی که سابقاً نامبرده به همان اتهام تحت محاکمه و رسیدگی قرار گرفته و براءت حاصل نموده یا محاکمه شده و محکومت خود را طی کرده است، ممنوع است. اما در فرضی، شخص مذکور جهت اثبات حسن نیت خویش در نزد مقامات دولت متقاضی و به صورت اختیاری، از این ممنوعیت استرداد به دلیل اعتبار امر مختومه، اعراض نموده و موافقت و رضایت خویش را بابت استرداد ابراز می‌دارد.

ملاحظات اخلاقی: موارد مربوط به اخلاق در پژوهش و نیز امانتداری در استناد به متون و ارجاعات مقاله تماماً رعایت گردیده است.

تعارض منافع: تعارض منافع در این مقاله وجود ندارد.

تأمین اعتبار پژوهش: این پژوهش بدون تأمین اعتبار مالی نگارش یافته است.

منابع

قرآن کریم

فارسی

- پوربافرانی، حسن، ۱۳۹۸، **حقوق جزای بین‌الملل**، چاپ دوازدهم، تهران، انتشارات جنگل.
- حسن برقی، صنم، ۱۳۹۷، **بررسی نهاد استرداد مجرمین در حقوق بین‌الملل و حقوق کیفری ایران**، چاپ اول، تهران، انتشارات جنگل.
- حسینی نژاد، حسینقلی، ۱۳۸۳، **حقوق کیفری بین‌المللی اسلامی**، جلد سوم، چاپ اول، تهران، انتشارات میزان.
- خالقی، علی، ۱۳۹۵، **آئین دادرسی کیفری**، جلد دوم، چاپ سی و دوم، تهران، انتشارات شهر دانش.
- خالقی، علی، ۱۳۹۵، **جستارهایی از حقوق جزای بین‌الملل**، چاپ پنجم، تهران، انتشارات شهر دانش.
- رشید، احمد، ۱۳۵۳، **اسلام و حقوق بین‌الملل عمومی**، مترجم حسین سیدی، چاپ اول، تهران، انتشارات دانشگاه تهران.

- صادقی، محمدهادی؛ فروغی، فضل‌اله؛ جودکی، بهزاد، ۱۳۹۸، قاعده منع استرداد مجرمان سیاسی در پرتو اجرای قانون جرم سیاسی، **فصلنامه مطالعات حقوقی**، شماره ۴.
- عباسی، محمود، ۱۳۶۷، **پلیس بین‌الملل**، پایان‌نامه کارشناسی، دانشگاه علوم قضایی و خدمات اداری.
- عباسی، محمود، ۱۳۷۳، **استرداد مجرمین**، چاپ اول، تهران، انتشارات گنج دانش.
- علاء‌الدینی، محمدرضا، ۱۳۸۴، **قراردادهای استرداد مجرمین بین ایران و سایر کشورها**، جلد اول، چاپ اول، تهران، انتشارات فکرسازان.
- علی‌آبادی، عبدالحسین، ۱۳۷۳، **حقوق جنایی**، چاپ سوم، تهران، انتشارات فردوس.
- عمید، حسن، ۱۳۸۹، **فرهنگ عمید**، چاپ اول، تهران، انتشارات راه رشد.
- فاطمی شریعت‌پناهی، سید کاظم، ۱۳۵۴، **استرداد مجرمین**، رساله دکتری، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه تهران.
- محسنی، مرتضی، ۱۳۸۲، **دوره حقوق جزای عمومی**، چاپ اول، تهران، انتشارات گنج دانش.
- معین، محمد، ۱۳۸۶، **فرهنگ معین**، چاپ چهارم، تهران، انتشارات ادنا.
- نیک‌انجام، شهناز، ۱۳۶۶، **استرداد مجرمین**، **فصلنامه دانشکده حقوق و علوم سیاسی**، شماره ۲۳.

عربی

- السامرائی، کامل، ۱۹۴۵، **استرداد مجرمین**، چاپ اول، بغداد، مطبعه دارالمعرفه.

قوانین

- قانون راجع به استرداد مجرمین مصوب ۱۳۳۹
- قانون موافقتنامه استرداد مجرمین بین دولت جمهوری اسلامی ایران و دولت جمهوری آذربایجان مصوب ۱۳۷۸
- قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲
- قانون آئین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲
- قانون استرداد مجرمین فرانسه مصوب ۱۹۲۷
- قانون استرداد مجرمین لبنان مصوب ۱۹۴۳